

## سواد خواندن، آموزش درک خوانداری

معصومه نجفی پازکی. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱. چاپ نخست، ۱۶۸ صفحه.

### ۱. بررسی شکلی

کتاب «سواد خواندن، آموزش درک خوانداری» نوشته دکتر معصومه نجفی پازکی است که انتشارات مدرسه وابسته به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش آن را در سال ۱۳۹۱ در ۱۱۰۰ نسخه با قطع وزیری در ۱۶۸ صفحه به چاپ رسانده است. طرح روی جلد کتاب متناسب با موضوع کتاب است، ولی فرازهایی از ویژگی‌های مربوط به نوشتار که در سمت چپ جلد آمده است، تا حدودی پراکنده است و بهتر است همه یا از مقوله‌های کلی باشد یا تعداد پراکنده‌ای از عوامل جزئی.

کتاب حاضر به عنوان منبع فرعی برای درس‌های «روش آموزش زبان فارسی در رشته علوم تربیتی گرایش آموزش کودکان استثنایی» در دوره کارشناسی و درس‌های مربوط به آموزش در رشته‌های دبیری زبان و ادبیات فارسی و آموزش ابتدایی مناسب است.

کتاب دارای پیشگفتاری است که هدف را به صورت صریح بیان کرده است. مقدمه کلی دارد و در هر فصل نیز مقدمه‌ای ارائه شده است. فهرست مطالب تفصیلی است. هرچند در کتاب از جدول استفاده شده است، در مجموع استفاده از ابزار تفهیم متن از قبیل تصویر می‌تواند بیشتر شود. مباحث کتاب تمرین ندارد و خلاصه و جمع‌بندی برای فصل‌ها و کتاب در نظر گرفته نشده است. کتاب شامل کتابنامه فارسی و انگلیسی است که منابع مناسبی را معرفی کرده است. باین حال در این کتاب به‌ویژه در بخش منابع انگلیسی، منبع جدید کمتر به چشم می‌خورد. کتاب، نمایه و واژه‌نامه ندارد، درحالی که لازم است این دو بخش نیز در کتاب حاضر موجود باشد.

حروف‌نگاری مناسب است، ولی بهتر است حروف و صفحه‌آرایی بخش دوم که متن برنامه آموزشی است، متفاوت از بخش نخست باشد. صفحه‌آرایی در بخش دوم با محتوا متناسب نیست.

بهتر است چارچوبی یکسان برای درس‌های مختلف فراهم شود که چشم‌نوازتر باشد و بخش‌های مختلف هر درس آسان‌تر به چشم بیاید و در ضمن از بخش نخست کتاب هم متمایز باشد.

## ۲. بررسی محتوایی

محتوا با فهرست هم‌خوانی دارد و با عنوان کتاب نیز هماهنگی دارد. البته از یک منظر دیگر، درک خواندن مفهوم گسترده‌تری است از آنچه در این کتاب آمده است. درواقع درک خواندن، مفهومی روان‌شناختی است. از منظر زبان‌شناسی چیزی که مهم است، ویژگی متن است و آگاهی خواننده از این ویژگی‌ها و کتاب حاضر نیز در پی همین کار است؛ ولی «درک» مقوله دیگری است که فرایند و عوامل مؤثر و روش‌های بازپروری آن در روان‌شناسی مطرح می‌شود. بحث مقدماتی تا حدودی در پیشگفتار و مقدمه فصل نخست آمده است، ولی نتیجه‌گیری، جمع‌بندی و دیگر عوامل و ابزار تفهیم بحث لحاظ نشده است.

نکته دیگر که قابل توجه است هدف از تألیف کتاب است که در مقدمه، «تقویت درک خوانداری منطبق با فضای کلاس درس» عنوان شده است (ص ۱۰)؛ ولی در جاهایی دیگر از کتاب، این هدف متمرکز بر محتوای آزمون پرلز شده است (صص ۲۷ و ۴۶). نویسنده در مقدمه به طور صریح نمی‌گوید که مخاطبان این کتاب چه کسانی هستند. تنها اشاره می‌کند که این کتاب می‌تواند مورد استفاده آموزگاران باشد. حتی در ابتدا ذکر نمی‌کند که آموزگاران چه پایه‌ای. درحالی‌که کتاب حاضر می‌تواند مورد استفاده زبان‌شناسان، روان‌شناسان تربیتی، متخصصان تعلیم و تربیت و متخصصان گفتاردرمانی قرار گیرد.

هدف نویسنده در این کتاب، آموزش خواندن استنباطی است که مربوط به سطوح بالای پردازش در فرایند درک خواندن است و نویسنده دلیل آموزش خواندن استنباطی را ضعف دانش‌آموزان ایرانی در این جنبه از خواندن ذکر می‌کند. کتاب شامل دو بخش است. یک بخش نظری و یک بخش کاربردی. در بخش نظری، چارچوب اصلی و زیربنایی درک خواندن که انگاره سازنده‌گرایی است، بحث و بررسی شده است. نویسنده این انگاره را بسیار روشن و گویا بیان کرده است. در بخش دوم که شامل ۲۲ گام برای تدریس درک خوانداری است، براساس انگاره سازنده‌گرایی روش تدریس همراه با متون خواندنی و سؤال‌های مربوط به آنها ارائه شده است. بنابراین نویسنده هم به نظریه و هم به کاربرد توجه داشته است و سعی داشته که حیطه نظریه را به حیطه کاربرد مرتبط سازد که از این نظر کتاب بسیار مفید است؛ زیرا تعداد کتاب‌هایی

که در حیطهٔ زبان‌شناسی، نظریه و کاربرد را به هم مربوط می‌سازند، بسیار محدود است. کتاب «سواد خواندن» از نظر نگارشی دارای متنی ساده و روان است. هرچند اکثر متن‌هایی که برای تدریس ارائه شده‌اند از نظر ساختار نحوی واژگانی برای دانش‌آموزان مناسب هستند، رعایت قواعد عمومی ویرایش و نگارش خالی از اشکال نیست و از سطح مطلوب کمی فاصله دارد. تعدادی اشتباه املائی نیز در اثر دیده می‌شود که برخی از اشکال‌های ویرایشی و املائی به شرح زیر است:

#### الف. اشکال‌های املائی

- صفحه ۴۸، ۹۱، ۹۶، ۱۰۲ و ۱۰۷ در قسمت تمرین در کلاس در بخش مرحلهٔ دوم، «سؤال‌ها چهار گزینه‌ای» باید «سؤال‌های چهار گزینه‌ای» باشد.
  - صفحه ۱۳۹ قسمت تمرین در کلاس خط سوم، «سؤال‌های» باید «سؤال‌هایی» باشد.
  - صفحه ۱۳۳ بند ۵ ابتدای خط دوم: «ظاهر می‌شود» به جای «ظاهر می‌شوند» آمده است.
  - صفحه ۱۵۸ خط ۶: «Education» باید «Educational» باشد.
  - صفحه ۱۵۸ منبع آخر خط یکی مانده به آخر: به جای «difficultie» باید «difficulties» بیاید.
  - صفحه ۳۴ در قسمت ۵: به جای «how ever» باید «however» بیاید.
  - صفحه ۳۵ قسمت پانویس: «collaction» باید «collocation» باشد.
  - صفحه ۴۸ قسمت مراحل اجرا سطر آخر: «استباطها» به جای «استنباطها» آمده است.
  - صفحه ۳۲ بند اول سطر ۴: «سؤال‌های» به جای «سؤال‌هایی» آمده است.
- ب. عدم رعایت فاصله و نیم‌فاصله: در این کتاب فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها در بسیاری از موارد رعایت نشده است. برخی از این موارد به شرح زیر است:
- ص ۵۵: در قسمت سؤال‌ها (بخش دوم)، سؤال یک گزینهٔ الف و ب در کلمهٔ آتش‌بازی باید بین آتش و بازی نیم‌فاصله باشد. همچنین در کلمه تسمه‌سواری باید بین تسمه و سواری نیم‌فاصله باشد.
  - ص ۱۵ سطر ۷: باید بین غیر و مرتبط نیم‌فاصله باشد.
  - ص ۳۱ بند ۳ سطر سوم: بین غیر و ماهر باید نیم‌فاصله باشد.

- ص ۳۵ بند ۲: در قسمت انسجام واژگانی سطر ۳ باید بین زیر و انواع یک فاصله باشد.
- ص ۶۳ بند آخر سطر ۳: باید بین می و دهد نیمفاصله باشد.
- ص ۶۷ سؤال ۲: بین کلمه می‌نامند و علامت سؤال باید یک فاصله باشد.
- ص ۶۸: باید بین گزینه و های نیمفاصله باشد.
- ص ۵۳: در قسمت مراحل اجرا سطر ۶ و ۱۰ باید بین می و خواهد نیمفاصله باشد.
- همچنین خط یکی مانده به آخر بین می و توان باید نیمفاصله باشد.
- ص ۵۴ سطر اول: بین می و کرد باید نیمفاصله باشد.
- ص ۱۰۳: قسمت زندگی‌نامه شهید همت سطر ۴ بین روح و بخش باید نیمفاصله باشد.
- ص ۱۱۸ بند ۴ سطر دوم: باید بین جفت و گیری نیمفاصله باشد.
- ص ۱۲۴ سؤال ۶ گزینه الف: بین دم و های باید نیمفاصله باشد.
- ص ۱۳۷ بند ۳ سطر ۷: بین حرفهای و کلاغ باید یک فاصله باشد.
- ص ۱۳۸ بند ۲ سطر ۲: بین پر و می‌کشید باید نیمفاصله باشد.
- ص ۱۴۴ سطر اول: متن تدریس در کلاس بین اجزای واژه جنب‌وجوش باید نیمفاصله باشد.
- ص ۱۵۴ منبع اول سطر دوم: بین پایه و اول باید یک فاصله باشد.
- ص ۱۵۵ منبع اول سطر اول: بین انسجامی و درون باید یک فاصله باشد.
- ص ۱۵۶: در کتاب‌نامه انگلیسی در سطر دوم آخرین منبع باید بین do و tests یک فاصله باشد.
- ص ۱۵۷ منبع هفتم سطر دوم: بین their و relation یک فاصله اضافی وجود دارد.
- ص ۱۵۹ سطر دوم: بین inferential و mediation یک فاصله اضافه وجود دارد.
- ج- رعایت‌شدن جدانویسی و پیوسته‌نویسی: نویسنده در کتاب «سواد خواندن»، روند جدانویسی را در پیش گرفته، اما در مواردی این جدانویسی را رعایت نکرده است؛ مانند موارد زیر:
  - واژه زندگی‌نامه در صفحه ۱۰۲ پیوسته و به‌صورت زندگینامه نوشته شده است، درحالی‌که در صفحه ۱۰۸ جدا نوشته شده است.
  - صفحه ۲۱ سطر یکی مانده به آخر: نویسنده واژه‌هایی مانند زبان‌شناسی و روان‌شناسی را به‌صورت پیوسته یعنی زبانشناسی و روانشناسی آورده است.

- صفحه ۳۰ قسمت انسجام متن سطر ۳: زبان‌شناختی را به‌صورت پیوسته یعنی زبان‌شناختی آورده است.
  - د- اشکال در شیوه نگارش منابع و ارجاع‌دهی
  - در کتابنامه فارسی، بسیاری از منابع، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد یا دکتری هستند، اما نویسنده ذکر نکرده که پایان‌نامه مربوط به چه رشته‌ای است. فقط در اولین منبعی که آورده، نام رشته را ذکر کرده است.
  - ص ۵۵: آخرین منبع یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد است. نویسنده ذکر نکرده این منبع مربوط به کدام شهر و دانشگاه است.
  - ص ۱۵۸: در منبع ششم، ناشر و مکان نشر ذکر نشده است.
  - ص ۱۵۹: منبع چهارم دوبار تکرار شده است.
  - در برخی موارد، نویسنده نام مجله را در منابع انگلیسی به‌صورت خلاصه آورده است. به عنوان مثال Brit J. Psycho در صفحه ۱۶۱، منبع ششم. نویسنده باید برای یکدست‌شدن متن، یا تمام موارد را به‌صورت کامل می‌آورد یا تمام موارد را به‌صورت خلاصه.
  - در بخش پیوست در فهرست کتاب‌های بخش تمرین در منزل، نویسنده سال انتشار کتاب‌ها را ذکر نکرده است.
  - نویسنده در ارجاعات درون‌متنی شماره صفحه منبع را ذکر نکرده است.
- کتاب را یک تحصیل‌کرده زبان‌شناسی نوشته و برای خواننده زبان‌شناس نیز متن مناسب است. ولی موضوع این است که مخاطب کتاب الزاماً تحصیلات زبان‌شناسی ندارد. در سطح معلمان دبستان و دوره نخست متوسطه، آشنایی با اصطلاحات زبان‌شناسی انتظار نمی‌رود. حتی در دبیران دوره دوم متوسطه نیز ممکن است این آشنایی کامل نباشد. براین‌اساس برخی از اصطلاحات ساخته‌شده در آن حوزه چندان مأنوس مخاطب نخواهد بود. واژه‌هایی چون «خواندار»، «بافتار»، «سازنده‌گرا» از آن قبیل است که تصور می‌کنم در کتابی برای معلم می‌توان از آنها پرهیز کرد. یا در صورت لزوم استفاده از اصطلاحی، باید آن را بیش از این توضیح داد، مانند «سازنده‌گرایی» و «انسجام».
- تناسب و جامعیت محتوا و موضوع اثر با توجه به هدف کتاب، بسیار ضعیف است. حجم کتاب بسیار اندک است. بخش نخست کتاب که مباحث نظری برنامه مورد نظر مؤلف است، بسیار

مختصر است و موضوع‌های مورد نظر به قدر کافی توضیح داده نشده است. گاه به موضوعی در حد اشاره پرداخته شده است. لازم است توضیح کافی و مثال‌های روشن برای تبیین ویژگی مورد نظر آورده شود.

کتاب برای سرفصل‌های مصوبی نوشته نشده است. درواقع مؤلف با توجه به نقصی که در برنامه آموزشی آموزش و پرورش در ارتباط با مهارت خواندن، متناسب با تخصص خود یافته، اقدام به تدوین متنی کرده تا به این مهارت کمک کند. قصد تألیف کتاب درسی دانشگاهی در راستای یک درس مشخص و سرفصل‌های مصوب نداشته است.

نظم منطقی و انسجام کلی مطالب در این کتاب خوب است. کتاب شامل دو بخش است یا به عبارتی دو فصل کلی دارد. نظم منطقی و انسجام مطالب در بخش اول کتاب بسیار خوب است. انسجام مطالب در بخش دوم کتاب نیز تا حدودی خوب است، اما بهتر بود نویسنده در این فصل تقسیم‌بندی‌هایی را نیز ارائه کند.

سیر مطلب ساده است. در واقع کل مباحث کتاب در سه رکن متن (هدف، انسجام، تبیین) خلاصه می‌شود و ویژگی‌های آنها توضیح داده شده است. سپس در بخش دوم برای هر موضوع یک محتوای آموزشی در نظر گرفته شده است. اما نکته‌ای که در این مباحث هست اینکه کتاب گاه میان دو موضوع متفاوت نوسان دارد: گاه این کتاب از ویژگی‌هایی سخن می‌گوید که نویسنده باید هنگام نوشتن به آنها توجه داشته باشد و گاه تمرکز بر خواننده است که باید هنگام خواندن در جست‌وجوی این ویژگی‌ها باشد. درواقع هر دو روی سکه هم درست است؛ یعنی تا کتاب این ویژگی‌ها را نداشته باشد، تلاش خواننده بی‌ثمر است. تصور کنید نویسنده‌ای جمله آغازین بند را موضوع بند قرار ندهد؛ نمی‌توانیم از دانش آموز انتظار داشته باشیم که موضوع بند را پیدا کند، زیرا او را جایی به سراغ موضوع می‌فرستیم که موضوع آنجا نیست. البته کتاب در این زمینه باید سوگیری صریح داشته باشد و درواقع دو منظوره باشد؛ هم دستور نوشتن متن برای نویسنده باشد، هم راهنما و ارائه‌کننده راهبردهای خواندن برای خواننده. این موضوع به طور کامل هدف و مدنظر مؤلف نبوده است و در تألیف کتاب، طرحی برای آن نداشته است. به نظر گاه ناخودآگاه یا به دنباله متنی که ترجمه کرده است، اشاره به ویژگی‌های لازم برای متن خواندنی کرده است؛ ولی هدف اصلی وی آن بوده که خواننده باید چه مهارت‌هایی را هنگام خواندن داشته باشد.

منابع این اثر از نظر علمی مناسب و معتبر است، ولی به‌ویژه در منابع انگلیسی، منبع جدیدی وجود ندارد. البته بخشی از کتاب بر پایه پژوهشی که نویسنده در سال‌های اخیر انجام داده ارائه شده است. برای بخش نخست، منابع معتبر و کافی است، ولی برای بخش دوم به نظر می‌رسد دقت کافی برای پیدا کردن متن نشده است. درواقع منابع برای بخش دوم باید به گونه‌ای باشد که تمام ویژگی‌های یک متن مناسب و کامل را داشته باشد و مؤلف نیز آنها را نشان دهد. متأسفانه چنین نیست. متن‌های انتخاب‌شده از هر جایی آمده است: کتاب درسی، کتاب‌های چاپ‌شده، اینترنت و... که معلوم است همه اینها در یک سطح نیست و معلوم هم نیست برای پایه چهارم ابتدایی (که منظور مؤلف بوده است) مناسب باشد. درمجموع کتاب حاضر از لحاظ استنادها و ارجاعات تا حدودی خوب است. اما نویسنده در ارجاعات خود، شماره صفحه را ذکر نکرده است. مؤلف الگوی سازنده‌گرایی را در مباحث زبان‌شناختی برگزیده، توضیح داده و تمرین‌ها و راهبردهای آموزشی خود را بر آن مبنا به پیش برده است.

برخی از اشکال‌های محتوایی شامل نداشتن توضیح کافی، مناسب‌نبودن ترتیب ارائه مطالب، شیوه ارائه مطالب و... در اثر حاضر به شرح زیر است:

- گام چهارم (ص ۵۷) به آموزش درک مقدماتی و مرور اجمالی می‌پردازد، درحالی‌که گام سوم آموزش (ص ۵۳)، درک خوانداری و آموزش استنباط‌های غیرمستقیم از متن است. در فرایند درک مقدماتی چون فرد، متن را سریع مرور می‌کند، پردازش ساده‌تر از زمانی است که فرد باید برای دستیابی به اطلاعات غیرمستقیم در متن، آن را به‌دقت بخواند. با توجه به این امر چون مرور اجمالی ساده‌تر است، باید در ابتدا و قبل از استنباط‌های غیرمستقیم آموزش داده شود. پس بهتر بود که نویسنده آموزش درک مقدماتی را در گام دوم یا سوم ارائه می‌کرد.
- نویسنده در گام سوم (ص ۵۳) به طور صریح بیان نکرده است که چطور مهارت خواندن برای تفسیر و تلفیق اطلاعات متن باید به دانش‌آموزان آموزش داده شود.
- در گام دوم (ص ۴۸) که به آموزش استنباط‌های مستقیم و یافتن اطلاعات صریح متن می‌پردازد، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود پس از خواندن متن، تمام اطلاعاتی را که به طور صریح در متن بیان شده است، روی یک ورق کاغذ بنویسند. سؤال این است که آیا مفهوم اطلاعات صریح برای دانش‌آموزان قابل فهم است؟ زیرا ابتدا باید به آنها آموزش دهیم که این اطلاعات چه هستند و بعد از آنها بخواهیم که این اطلاعات را

روی کاغذ بنویسند. نویسنده ذکر نکرده که چطور به دانش‌آموزان آموزش دهیم که اطلاعات صریح و مستقیم متن چه هستند.

- در گام پنجم (ص ۶۳) نیز نویسنده ذکر نکرده است که معلم چگونه باید مطالعه پیمایشی را به دانش‌آموزان آموزش دهد و آن را به آنها توضیح دهد.
- نویسنده با توجه به انگاره سازنده‌گرایی، سه هدف دارد که آنها را آموزش می‌دهد. این سه مؤلفه عبارتند از: آموزش هدف از خواندن، انسجام و تبیین. در بخش دوم کتاب، ۲۲ گام آموزشی برای آموزش این سه مؤلفه پشت سرهم ارائه شده است. بهتر این بود که با توجه به این سه هدف، ۲۲ گام آموزشی را به سه گروه و در سه بخش ارائه می‌کرد و هر بخش را با عنوان این سه هدف مشخص می‌کرد. به طوری که بخش اول مربوط به آموزش هدف از خواندن بود و شامل پنج گام. بخش دوم با عنوان آموزش انسجام مطرح می‌شد و شامل دوازده گام بود و سپس ده گام بعدی با عنوان آموزش تبیین مشخص می‌شد.
- در گام نهم (ص ۸۶) که آموزش علائم و نشانه‌های ساختار بلاغی است، در بخش سؤال‌های مربوط به تمرین در کلاس و هم در سؤال‌های مربوط به تمرین در منزل، سؤالی برای ارزیابی علائم و نشانه‌های ساختار بلاغی (مثل زمان) نیامده است.
- در بخش مراحل اجرا (ص ۹۱)، مؤلف چهار جمله برای تدریس ارائه می‌دهد و ذکر می‌کند که دو جمله از آنها به هم مرتبط است و دو جمله به هم مرتبط نیست. نویسنده ذکر می‌کند که دو جمله «گنجشک کوچولو روی درخت نشست» و «به جنگل انبوه خیره شد» با هم مرتبط نیستند؛ درحالی که این دو جمله می‌توانند مرتبط باشند، زیرا فاعل جمله دوم می‌تواند «گنجشک» باشد.
- سؤال‌هایی که پس از متن تمرین درس زندگی‌نامه دکتر قریب (صص ۱۰۹ و ۱۱۰) آمده آموزش حذف را که هدف گام سیزدهم است، ارزیابی نمی‌کند.
- نویسنده در بخش اول کتاب در مبحث «انسجام متن» که دومین محور انگاره سازنده‌گرایی است (صص ۳۱ تا ۴۰)، به معرفی و توضیح سیزده نوع از روابط میان گزاره‌های متن پرداخته که موجب انسجام بهتر می‌گردد. یکی از این ابزار، انسجام واژگانی است. در بخش دوم کتاب از گام ششم تا هفدهم کمابیش این روابط و ابزار زبان‌شناختی انسجام را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد که عبارتند از: آموزش ضمائر



شخصی، زمان و مکان، حروف ربط، علائم و نشانه‌های ساختار بلاغی، نشانه‌های اطلاعات کهنه و نو، نقطه‌گذاری، حذف، عناوین و نکات برجسته و جمله‌های موضوعی. نویسنده در این بخش به آموزش انسجام واژگانی که یکی از ابزار مهم انسجام متن است، نپرداخته است.

- در آموزش گام چهاردهم (ص ۱۱۳) در مراحل اجرا بیان شده است که معلم ابتدا متنی را به گروه‌های دانش‌آموزان می‌دهد که دارای علائم نقطه‌گذاری است و در این متن، زیر این علائم خط کشیده شده است. نویسنده این متن را در صفحه ۱۱۴ آورده، اما زیر علائم نقطه‌گذاری آن خط نکشیده است. همچنین در صفحه ۱۱۸ در متن تمرین در کلاس نیز زیر جمله‌های موضوعی خط نکشیده شده است، درحالی‌که نویسنده در صفحه قبل در بخش مراحل اجرا ذکر کرده که ابتدا متنی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود که زیر جمله‌های موضوعی آن خط کشیده شده است.
- در گام شانزدهم (ص ۱۲۱) در مراحل اجرا گفته شده که پس از ارائه متنی که زیر اطلاعات کهنه آن خط کشیده شده و پس از بحث و مشورت درباره این بخش‌ها، معلم مبحث سرنخ‌ها و نشانه‌های اطلاعات کهنه را تدریس می‌کند. این سرنخ‌ها چه هستند؟ بهتر بود نویسنده درباره آنها دقیق‌تر و روشن‌تر صحبت کند و این سرنخ‌ها را به طور دقیق برای خواننده مشخص کند. دیگر اینکه نویسنده در مراحل اجرا می‌گوید معمولاً اطلاعات کهنه و معرف‌های اسامی ارائه می‌شود. آیا منظور این است که باید به کودکان، اسامی و معرف‌های آنها را نیز آموزش داد؟ آیا آموزش معرف‌های اسم برای کودکان مشکل نیست؟ همین اشکال در صفحه ۱۲۵ در مبحث آموزش سرنخ‌ها و نشانه‌های نو وجود دارد. نویسنده می‌گوید که اطلاعات نو از طریق فعل اصلی و معرف‌های آن بیان می‌شود. در اینجا نیز سؤال این است که آیا باید فعل و معرف‌های آن را به دانش‌آموزان آموزش داد؟ آیا بحث معرف‌های فعل برای دانش‌آموزان مشکل نیست؟

- ص ۱۴۶: در جواب‌های سؤال یک، دو گزینه درست است: گزینه الف: به دیدن دوستش و گزینه ب: به دیدن عنکبوت. درحالی‌که باید یک گزینه به عنوان جواب صحیح در نظر گرفته شود.

- ص ۵۱: سؤال ۴ سه گزینه برای پاسخ دارد، درحالی که همه سؤال‌ها چهارگزینه‌ای هستند. برای این سؤال نیز باید یک گزینه دیگر هم در نظر گرفته می‌شد و گزینه د به صورت د مورد الف و ب ارائه می‌شد.
- ص ۵۲: در سؤال ۶ گفته شده که مانند نمونه، جمله‌های درهم زیر را با توجه به متن شماره‌گذاری کنید. کدام نمونه؟ نویسنده، نمونه‌ای ارائه نداده است.
- صص ۳۲ و ۳۳: مؤلف به تعریف حذف و جانشینی می‌پردازد، ولی تعاریف روشن نیست و نویسنده برای آنها مثال ارائه نکرده است. باید برای روشن‌تر شدن مطلب برای هر یک نیز مثالی ارائه کند.
- ص ۳۵: نویسنده برای انسجام واژگانی، تعریف صریح و روشنی ارائه نمی‌دهد و برای آن دو نوع تکرار و هم‌آیی (ص ۳۶) را ذکر کرده است که آنها را نیز به‌صورت روشن تعریف نکرده است. باید برای هر یک مثالی ارائه دهد.
- نویسنده برای بخش تمرین در منزل، بیشتر از کتاب‌هایی استفاده کرده است که ترجمه شده‌اند. بهتر این بود که نویسنده از کتاب‌هایی استفاده کند که به زبان فارسی نوشته شده‌اند یا حداقل بخشی از متن‌های تمرین در منزل ترجمه بود، نه بیشتر آنها. نویسنده ذکر نکرده که براساس چه معیاری، متون و کتاب‌های تمرین در کلاس و منزل را انتخاب کرده و درحقیقت پیکره‌وی براساس چه معیارهای زبانی انتخاب شده است؟ برای مثال آیا این کتاب‌ها جزء کتاب‌های برگزیده کودکان بوده‌اند یا پرخواننده‌ترین متون بوده‌اند؟ یا تنها نمونه‌گیری تصادفی بوده است؟
- در بخش دوم، بیشتر متن‌هایی که برای تدریس ارائه شده، از نظر ساختار نحوی واژگانی برای دانش‌آموزان مناسب است؛ با این حال چند واژه در این متون به چشم می‌خورد که درک آنها برای کودکان مشکل است:
- ص ۱۰۳: متن «زندگینامه شهید همت»، نسبت به متون قبلی برای کودکان مشکل‌تر است و نیاز به منابع حافظه فعال بیشتری دارد. همچنین درک واژه‌هایی مانند «یگان، تیپ، رفیع و کارزار» در این متن برای کودکان مشکل است.
- ص ۱۰۸: در متن «زندگینامه دکتر قریب»، درک واژه «دانشیار» برای کودکان مشکل است.

- ص ۹۸: آخر متن تمرین در کلاس، جمله «آیا روباه دوباره به گرگ کلک نخواهد زد» از نظر نگارشی و با توجه به داستان متن درست نیست؛ زیرا قید «دوباره» نیز با فعل مثبت می‌آید. بنابراین جمله باید به این صورت بیان شود: «آیا روباه دوباره به گرگ کلک خواهد زد».
- ص ۱۱۸ بند چهارم سطر دوم: جمله «پس از این پرواز جفت‌گیری، نرها فوراً می‌میرند» مفهوم نیست و نیاز به ویراستاری دارد.
- ص ۱۰۹ بند اول سطر دوم: جمله‌ای که با عبارت «پس از واقعه...» شروع می‌شود، طولانی و پیچیده است و پردازش آن برای دانش‌آموزان مشکل است. سایر مواردی که در محتوا ابهاماتی ایجاد می‌کند، به شرح زیر است:
- چگونه است که مؤلف محترم، کتابی برای درک خواندن می‌نویسد و هدف او دانش‌آموزان فارسی‌زبان است، ولی در مثال‌های خود نمی‌تواند نمونه‌ای فارسی بیاورد؟ در صفحه ۳۳، ۳۴ و ۳۵ تمام نمونه‌ها حرف ربط انگلیسی است. آیا ما در فارسی حرف ربط نداریم؟
- آیا مقوله‌بندی انواع هم‌آبی (ص ۳۶) که از کورش صفوی نقل شده، متعلق به خود او است یا منبع خارجی دارد؟ اگر از خود او است، چه نیازی به معادل انگلیسی دارد؟ ابداع خود او است و اصل فارسی دارد. اگر صفوی نیز نقل قول کرده، چرا به او نسبت داده شده و نویسنده اصلی معرفی نشده است؟
- در صفحه ۴۷، متن‌هایی داستانی اما ناقص و بی‌آغاز و انجام آمده است. دلیل این کار معلوم نیست.
- استنباط‌های مستقیم و غیرمستقیم و به‌ویژه مطالعه اجمالی و پیمایشی چندان متمایز نیست و نوع پرسش‌های هر دو گونه یکسان است.
- متنی که در گام ششم - ضمائر شخصی - انتخاب شده، ضمیر چندان در آن نیست. در یک صفحه متن، تنها سه ضمیر در سه سطر آمده است. بقیه متن اضافی است. ضمائر مکانی (ص ۷۵) نیز چنین مشکلی دارد.
- درباره انتخاب معادل‌های فارسی برای اصطلاحات نیز نکاتی به چشم می‌آید:
- ص ۴۱ بند ۳ سطر دوم و صفحه ۱۳ بخش ج: نویسنده باید به‌جای استراتژی‌ها، واژه راهبردها را به کار ببرد؛ زیرا در موارد دیگر هم راهبرد را به کار برده است.

- ص ۳۰ بند ۳ سطر دوم: نویسنده برای واژه «بافتار»، معادل انگلیسی ارائه نداده است.
- پانویس ص ۲۴: نویسنده برای واژه «سازنده‌گرایی»، معادل انگلیسی ذکر کرده است، درحالی‌که سازنده‌گرایی در صفحات قبلی و پیش‌تر در صفحه ۱۲ سطر دوم آمده است و نویسنده باید در آنجا معادل انگلیسی را در پانویس ذکر کند.

### ۳. ارزشیابی کلی و پیشنهادها

با توجه به محتوای اثر و مفهوم ویژه ادراک در حوزه روان‌شناسی، بهتر است نام این اثر را «راهنمای مهارت خواندن» گذاشت؛ زیرا درواقع تمرین‌های کتاب تنها مهارت‌های خواندن است و با پرورش عوامل مؤثر در ادراک و از جمله ادراک خواندن، ارتباط محدودی دارد. از سوی دیگر در حوزه نظری به گسترش بحث‌های موجود نیاز است. لازم است معلمی که می‌خواهد با دانش‌آموز کار کند و کسی که می‌خواهد متنی را بنویسد، درک عمیق‌تری از عوامل موجود در متن داشته باشد.

در بخش تمرین‌ها و برنامه‌های آموزشی، انتخاب متن‌ها به دقت بیشتری نیاز دارد. لازم است در هر گام آموزش، انواع مختلف متن را داشته باشیم و عوامل مورد نظر را در هر نوع نشان دهیم. متن‌ها یا باید از منابعی انتخاب شود که به طور کامل ضوابط الگوی مورد نظر را رعایت کرده باشد، یا مؤلف خود چنین متن‌هایی را فراهم آورد تا بتواند به‌درستی تمرین‌ها را هدایت کند. جهت‌گیری مؤلف در تألیف کتاب متأسفانه تنها آزمون پرلز است و نام‌برده خود این موضوع را دست‌کم در دو جا در میانه کتاب توضیح داده است. لازم است بدانیم که آزمون پرلز، هدف آموزشی نظام آموزش و پرورش ما نیست. این آزمون تنها می‌تواند ملاک سنجش باشد؛ ابزاری است که ما براساس آن متوجه می‌شویم که آموزش ما در چه وضعیتی به‌سر می‌برد. مؤلف محترم با هدف قرار دادن این آزمون، متن را برای پایه چهارم دبستان و با توجه به معیارهای آزمون پرلز فراهم آورده است. به‌همین علت اشتباه دیگری نیز مرتکب شده و تمرین‌ها را از کتاب درسی انتخاب کرده است، درحالی‌که در کشور ما ثبات محتوای آموزشی سابقه خوبی ندارد و معلوم نیست سال آینده همین کتاب‌ها در مدرسه‌ها توزیع شود یا کتاب به طور کامل تغییر کند. بنابراین تکیه بر کتاب‌های درسی کار درستی نیست و متن‌های تمرین باید مستقل از محتوای آموزشی رسمی باشد و در ضمن متن کامل در کتاب بیاید. حواله‌دادن به کتاب درسی یا کتاب‌های چاپ‌شده در بازار، ابزار کاملی را در اختیار معلم نمی‌گذارد.

نکته دیگری که مؤلف باید به آن توجه داشته باشد، ویژگی تحولی آموزش است. مهارت خواندن از پایه اول دبستان آغاز می‌شود. دانش‌آموزی که در پایه چهارم با آزمون پرلز مشکل پیدا می‌کند، کوله‌باری از مشکلات را از سال اول خود به همراه آورده است که در این منزل از رفتن بازمی‌ماند. بنابراین لازم است آموزش مهارت‌های خواندن از پایه اول دبستان بنیان گذاشته شود. آنگاه برای این منظور، مؤلف محترم باید راهبردها و شیوه‌های متناسب برای آن گروه سنی را با توجه به جمیع شرایط و عوامل سنی و سطح آموزشی تنظیم کند. تصور می‌شود بخش دوم کتاب نیاز به بازبینی دقیق دارد، هم به لحاظ متن‌های انتخاب‌شده و هم به لحاظ انطباق متن‌ها با ویژگی‌هایی که باید آموزش دهد.

آموزگاران می‌توانند از اثر حاضر به عنوان کتاب کمک‌آموزشی برای آموزش درک خواندن استفاده کنند. علاوه‌براین این اثر می‌تواند در دروس دانشگاهی رشته‌های آموزش ابتدایی و تعلیم و تربیت به عنوان بخشی تکمیلی در واحدهای درسی مربوط به آموزش خواندن و نوشتن استفاده شود. این اثر برای تدریس آموزگاران همچنین به عنوان بخشی از منابع درسی واحدهای مربوط به آموزش خواندن و نوشتن در رشته‌هایی از قبیل آموزش ابتدایی، تعلیم و تربیت، روان‌شناسی تربیتی و گفتار درمانی کاربرد دارد.